بسم الله الرحمن الرحیم

# تربیت جسمانی، ورزش و مسائل آن از منظر فقه تربیتی

**محمدقاسم رجایی**

## مقدمه

یکی از ساحت‌های تربیتی، تربیت جسمانی است. تربیت جسمانی در انسان شناسی دینی بر این مفروضه استوار است که انسان موجود دوساحتی و مرکب از روح و بدن است[[1]](#footnote-1) و میان این دو ساحت تعامل و رابطه تأثیر و تأثر برقرار است[[2]](#footnote-2) و تربیت جسمی و توجه به نیازهای زیستی، بستر رشد در دیگر ساحت‌های تربیتی را فراهم می‌کند و بدون رشد ساحت جسمی، رشد و تربیت ساحت‌های دیگر، ناقص و نامتوازن، خواهد بود. پس برای تربیت متوازن، جسم، مانند روح، نیازمند تربیت است و تربیت جسم، زمینه تربیت روح را فراهم می‌کند و رشد و تقویت جسم موجب تقویت روح می‌شود.

## پیشینه بحث

بحث ورزش و تربیت بدنی، به مثابه ابزاری برای دست‌یابی به رشد و سلامت جسمی از دیرباز در کانون توجه انسان‌ها بوده است. یونانی‌ها که کمال انسان را در وحدت و انتظام جسم و روح، تعریف می‌کردند، به ورزش ژیمناستیک در برنامه تربیت جوانان اهتمام ویژه قائل بودند. تعلیم ورزش بدنی برای شخصیت‌های بزرگ و رجال معروف، مکانتی خاصی می‌داد. رومان‌ها که پیرو مدنیت یونان بودند، همانند آن‌ها به ورزش و تربیت جسمانی فرزندان خود، توجه ویژه مبذول می‌داشتند و عبارت معروف «عقل سالم در بدن سالم»[[3]](#footnote-3)، از آن‌ها به یادگار مانده است.[[4]](#footnote-4)

هرچند با ظهور عقاید مسیحیت در اروپا که کمال انسان را در پرورش روح و اعمال ریاضت‌هایی که مستلزم کاسته شدن قوای بدنی است جستجو می‌کردند، ورزش و تربیت جسمانی (به غیر از مهارت‌های پهلوانی و رزم‌آزمایی) تا اوایل قرن نوزدهم میلادی، با بی‌مهری و غفلت مواجه شد.[[5]](#footnote-5) در این میان آموزه‌های اسلامی که بر تعامل و ارتباط متقابل جسم و روح و تربیت هماهنگ این دو تأکید می‌کند، ورزش و تربیت جسمی را ارج نهاده و به شیوه‌های گوناگون به فعالیت‌های جسمی و تحرکات بدنی ترغیب می‌کند. بحثهای مانند سبق و رمایه، در کتب فقهی، نشانگر اهتمام آموزه‌های اسلامی، به مبحث تربیت جسمانی و ورزش است.

## مفهوم‌شناسی

برای روشن شدن بحث، در این مجال، برخی از مفاهیم مرتبط در حوزة تربیت جسمانی بررسی می‌شود، تا از برداشت­های ناصواب اجتناب شده و نیز قلمرو بحث را مشخص شود.

### 1. تربیت

***تربیت عبارت است از: مجموعه تدابیر، زمینه‌سازی‌ها و اقدامات هدفمندی که عامل انسانی دیگر برای شکوفا سازی استعدادهای کودک و ایجاد تغییر در یکی از ساحت­های بدنی، روحی و رفتاری وی، به کار می‌گیرند.***

### 2. تربیت جسمانی

***اقدامات و فراهم کردن زمینه­های رشد جسمی و تأمین نیازهای مترتبط با بدن.***

به بیان دیگر***: تربیت جسمانی عبارت است از فراهم کردن زمینه­های رشد جسمانی و تأمین نیازهای طبیعی و مادی(اعم از تغذیه، ورزش، پوشاک و دیگر هزینه­های زندگی).***

### 3. تربیت بدنی

امروزه، درک و دریافت همگانی از مفهوم تربیت بدنی بیشتر مفهوم ورزش است. با دقت به تعریف­های ارائه شده از تربیت بدنی، روشن می­گردد که در تعریف رایج از واژة تربیت بدنی(physical education) در اصطلاح غربی و لاتینی آن، دو نوع تعریف عام و خاص از این مفهوم به صورت ذیل ارائه گردیده است:

الف. تعریف عام:

*این واژه که در 1830 میلادی، وارد ادبیات این حوزه شده، عبارت است از آموزش رشد و مراقبت بدنی که از ورزش­هاي‌ سبك‌ سوئدي گرفته تا‌ آموزش بهداشت، ژیمناستیک، بازی و مسابقات ورزشی، همه را در بر می­گیرد.[[6]](#footnote-6)*

ب. تعریف خاص:

*آموزش آمادگی جسمانی و مهارت­هایی که نیازمند و یا ارتقاء دهندة توانمندی­هایی فیزیکی است.[[7]](#footnote-7)*

### 4. ورزش

ورزش، فعالیت بدنی سازمان­یافته­ای است که برای تقویت قوای جسمانی و کسب مهارت­های حرکتی انجام می­شود.[[8]](#footnote-8) کلمه ورزش، در زبان انگلیسی و فرانسه معادلSport است و در لاتین به آن Deport، اطلاق می­گردد و ریشة لغوی آن Disport، به معنای دگرگونی و تغییر است. علت اطلاق این واژه با چنین معنا و مضمونی بر ورزش، آن بود که مردم از رهگذر ورزش و فعالیت­های ورزشی از مشاغل و فعالیت­های کاری خود به سرگرمی و تفریح روی می­آوردند و در واقع نوع فعالیت خود را تغییر می­دادند.[[9]](#footnote-9)

ورزش یک وسیله تربیتی است که فرد با توجه به قوانین و مقررات ویژه و استفاده از تکنیک ها و تاکتیک های مختلف به کسب آمادگی های ذهنی – جسمی و مهارتی پرداخته و برای کسب موفقیت و پیروزی در رقابت های سازنده شرکت می نماید.[[10]](#footnote-10)

برخی در تعریف ورزش گفته اند:

*ورزش، به مجموعه­ای از حرکات بدنی(فیزیکی) انسان اطلاق می­شود، که با هدف مشخصی دنبال می­شود و بازدهی خاصی را به دنبال دارد.[[11]](#footnote-11)*

در ورزش سعی می شود، زمینه­های حضور موفق فرد در رقابت­ها ایجاد شده و با استفاده از علوم و فنون مرتبط، و انجام تمرینات مناسب ، حرکات و مهارت­ها به نحو مطلوبی اجرا شده و بهترین نتایج کسب گردد.[[12]](#footnote-12)

از مجموع تعریف­های یادشده برای ورزش، به این­ استنباط می­رسیم که:

الف: ریشة لغوی این واژه به معنای تغییر و دگرگونی است؛

ب: ورزش در آغاز که صِرف جنبة سرگرمی داشته، از ضابطه­مندی خاصی برخوردار نبوده است؛

ج: ورزش، در گذر زمان تابع یک سلسله مقرراتی می­گردد که افراد در آن با استفاده از تکنیک­های مختلف به کسب مهارت­های جسمی برای پیروزی در رقابت­ها، بهره می­جستند؛

د: با توجه به اهمیت ورزش و نقش سازندة آن در بهبود و ضعیت روانی و جسمانی، ورزش تبدیل به یک ابزار تربیتی می­گردد که به لحاظ تئوریک از منبع علم تربیت بدنی تغذیه می­گردد؛

هـ : با این­که تلقی همگانی از ورزش و تربیت بدنی، دست­یابی به سلامت جسمانی و سرگرمی­های سالم است، اما در جهان امروز، اهداف اقتصادی و حتی سیاسی نیز در آن دنبال می­گردد. به هرصورت منظور از ورزش در این­جا، یک ابزار تربیتی است که با حفظ معنای لغوی آن؛ یعنی نوعی تغییر، در راستای رشد و بهبود وضعیت جسمانی فرد به کار گرفته می­شود.

### 5. بازی

واژة بازی در زبان فارسی به معنی فعالیتی است که معمولا برای سرگرمی و تفریح انجام می­شود.[[13]](#footnote-13) در زبان عربی، معادل کلمة بازی، «لعب» است که منظور از آن کاری است که بدون انگیزه­ای صحیح[[14]](#footnote-14) و به قول شیخ انصاری (ره) بدون هیچ گونه غرض عقلائی، صورت می­گیرد.[[15]](#footnote-15) و در ادبیات دینی(آیات و روایات) با واژه­هایی نظیر «لغو»(گفتاری که بدان اعتنایی نمی­شود)،[[16]](#footnote-16) «لهو»(کاری که موجب غفلت از امور مهم شود)[[17]](#footnote-17)و «باطل»(کاری فاسد، زیان آور و ناحق)،[[18]](#footnote-18)به کاربرده شده و به سنجش گرفته می­شوند. می­توان گفت معنای این چهار واژه، بسیار به هم نزدیک است و می­توان معنای مشترکی برای آن­ها در نظر گرفت و آن «فایده نبردن از کاری و نداشتن هدف و انگیزه ای دینی یا دنیوی از انجام آن، خواه از کودک صادر شود یا دیوانه و یا بزرگسال و عاقل».[[19]](#footnote-19)

مرادف انگلیسی بازی، واژة play است که به دو صورت اسم و فعل، به کار برده می­شود. اگر بازی به صورت اسم به کار برود به معنای سرگرمی، ورزش و تفریح است و اگر به صورت فعل استفاده گردد، به معنای ورزش کردن و هرگونه فعالیتی اطلاق می­گردد که هدف از آن، لذت و تفریح باشد.[[20]](#footnote-20)

از بازی، در اصطلاح رایج امروزی تعریف­های گوناگونی صورت گرفته است. ژان پیاژه،[[21]](#footnote-21)روان­شناس معروف سویسی، معتقد است، بازی از شاخص­­های نظیر «داشتن هدف در خود»، «اختیاری بودن»، «خوشایند بودن»، «بدون ساخت(سازمان) بودن» و «به دور از قید تنش و پرخاش»، برخوردار است.[[22]](#footnote-22) برخی، با یک دید جامع­تری، از بازی تعریف زیر را ارائه داده اند:

*هرگونه فعالیت جسمی یا ذهنی هدف­داری که در اوقات فراغت یا اشتغال و در جهت کسب لذت، تمدد اعصاب، آرام­بخشی جسم یا ذهن بازیگر و اقناع نیازهای آنی یا درازمدت فرد یا گروه، چه به صورت انفرادی یا گروهی انجام گیرد.[[23]](#footnote-23)*

نقطة اشتراک معنای لغوی و مفهوم اصطلاحی بازی، در این است که در بازی نوعی سرگرمی و احساس لذت برای بازیگر نهفته است که گاهی بدون غرض عقلایی است و صرف جنبة سرگرمی دارد اما مفهوم اصطلاحی رایج امروز از این جهت با مفهوم لغوی متفاوت است که گاهی این لذت­بخشی نهفته در بازی در راستای یک هدف خردپسند، مانند رشد و سلامتی جسمانی و آرامش روانی به کار گرفته می­شود که در این صورت، با اشکال و انواع مختلفی که دارد، به عنوان یک اقدام تربیتی در جهت اهداف تربیتی، در حوزة تربیت جسمانی قرار می­گیرد.

با نظرداشت تعاریفی که از تربیت جسمانی و برخی مفاهیم متناظر ارائه دادیم، روشن شد که تربیت جسمانی عام­ترین مفهوم و اصطلاحی است که تمامی مفاهیم دیگر نظیر تربیت بدنی، ورزش، ورزش و بازی را به نوعی پوشش داده و ناظر بدان­ها می­باشد و مفاهیم یادشده به گونه­ای متضمن بخشی از این مفهوم اند و بر رشد جسمی و فراهم­سازی بستر تربیت جسمانی دلالت دارند؛ از این­رو می­توان گفت نسبت بین تربیت جسمانی و مفاهیم متناظر، عام و خاص مطلق است.

## ادله

در این بخش دو دسته ادله عام و ادله خاص بررسی می‌شوند. در بخش ادله عام، قاعده اعانه بر بر، و در ادله خاص، روایات ناظر به شنا و تیراندازی اشاره می‌شود.

### الف) قاعده اعانه بر برّ

قاعده اعانه بر برّ، یکی از قواعدی عام فقهی است که می‏تواند برای اثبات بسیاری از احکام مورد استناد قرار گیرد. منظور از اعانه بر برّ، کمک و زمینه‏سازی برای اَعمال نیک و تقواپیشگی دیگران است. پشتوانه نظری این قاعده، افزون بر دلیل عقلی که کمک به دیگران برای انجام کارهای نیک را امری مستحسن می‌شمارد، یک سلسله ادله نقلی است[[24]](#footnote-24) که بر مبنای آن مکلفان فراتر از اقدام مستقیم برای انجام تکالیف خویشتن، نسبت به امتثال تکالیف دیگران نیز بی‏‏تفاوت نیستند؛ بلکه با انواع اقدامات و روش‏های ممکن به دیگران برای اطاعت از اوامر شرعی کمک می‏کنند.[[25]](#footnote-25)

یکی از مصادیق جریان قاعده اعانه بر برّ، استفاده از این قاعده برای اثبات وظایف تربیتی از جمله تربیت جسمانی و ورزش است. توضیح آن‌که مفاد قاعده اعانه بر برّ، رجحان و مطلوبیت یاری‏رسانی مکلف به دیگری برای تحقق افعال و صفات شایسته است. به این دلیل که افعال و صفات شایسته اطلاق دارد، گستره آن می‏تواند اقدامات تمهیدی مربیان، در قالب فعالیت‌های ورزشی را در راستای حفظ و ارتقای سلامت متربیان نیز در برگیرد؛ بنابراین می‏توان گفت طبق قاعده اعانه بر برّ، کمک و زمینه‏سازی خانواده به فرزندان و متولیان امور تربیت (از قبیل آموزش مهارت‌های ورزشی، تأمین هزینه‌های ورزشی و...) برای رشد و ارتقای سلامت جسمی، در قالب فعالیت‌های ورزشی، از حکم رجحانی برخوردار است.

این نکته قابل یادآوری است که آن‏گروه از اقدامات تمهیدی‌ که فقط در گستره حکم جوازی و مباح قرار می‏گیرد، از قلمرو قاعده اعانه بر برّ خارج است و مشمول حکم رجحانی این قاعده نمی‏شود. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که این حکم رجحانی، بسته به موارد این تمهیدات، گاهی ممکن است در حد الزام باشد؛ مانند جایی که حفظ حیات انسان‌ها منوط به این نوع فعالیت‏ها باشد؛ به گونه‏ای که اگر فعالیت‏های بدنیِ خاصی انجام نپذیرد، زندگی انسان در خطر می‏افتد، در این صورت کمک و زمینه‏سازی برای این نوع ورزش و فعالیت‌های بدنی از حکم وجوبی برخوردار است. گاهی ممکن است تمهیدات در حد یک حکم استحبابی باشد؛ مانند مواردی که این دسته فعالیت‌ها، به رشد و سلامت جسمی فرد کمک می‏کند.

### ب) روایات ناظر به شنا و تیراندازی

بخشی از ادله ظرفیت پوشش‌دهی تعیین حکم وظایف متولیان امور تربیت جسمانی را به طور عام ندارند، بلکه یک سلسله روایاتی‌اند که در باره تعلیم ورزش‌های خاصی مانند شنا و تیراندازی وارد شده‌اند که در این بخش، به بررسی گرفته می‌شوند. شایسته است این نکته یادآوری شود که از مجموع شش روایتی که در ذیل بررسی می‌شود (البته به شمول دو روایتی که در پاورقی ذکر شده است) تنها یک روایت به طور خاص در باره ورزش شنا است و در پنج روایت باقی مانده در باره شنا و تیراندازی به صورت همزمان سخن به میان آمده است؛ به همین دلیل از باب اغلبیت حکم شنا و تیراندازی و اشتراک در ادله، هر دو موضوع به صورت توأمان تحت عنوان واحد، بررسی می‌شوند.

1. مرفوعه یعقوب بن سالم

**عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمُ السِّبَاحَةَ وَ الرِّمَايَةَ**؛[[26]](#footnote-26) یعقوب بن سالم به صورت مرفوعه از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت می‏کند که رسول خدا (ص) فرمود: به فرزندان خود شنا و تیراندازی یاد دهید.

بررسی سندی

این روایت را کلینی رحمت الله علیه، از احمد بن محمد عاصمی و او از علی بن حسن بن علی بن فضال، نقل می‏کند که هر دو ثقه‏اند. علی بن اسباط، راوی دیگر این روایت نیز از سوی نجاشی، توثیق شده است.[[27]](#footnote-27) البته کشی، گفته است: وی فطحی بوده و بر این مذهب از دنیا رفته است؛[[28]](#footnote-28) اما درباره وثاقت‏نداشتن وی سخنی به میان نیاورده است؛ بنابراین، اظهار نظر کشی، توان معارضه با توثیق نجاشی را ندارد و علی بن اسباط، موثق تلقی می‏شود. یعقوب بن سالم احمر نیز با مشکل خاصی مواجه نیست؛ اما مشکل اصلی روایت به لحاظ سندی، مرفوعه‏بودن آن است که در نتیجه، روایت به دلیل رفع، فاقد اعتبار تلقی می‏شود.

بررسی دلالی

روایتی که حضرت امیرالمؤمنین (ع) از زبان پیامبر خدا (ص) نقل فرموده است، در اسلوب امری (عَلِّمُوا) بیان شده است و ظاهر امر هم بر وجوب دلالت می‏کند؛ اما به دلیل قراین خارجی که همان ارتکازات و سیره متشرعه باشد، این امر بر وجوب دلالت نمی‏کند؛ بلکه تنها رجحان در حد یک امر استحبابی را می‏رساند؛ بنابراین، طبق مفاد این روایت، آموزش تیراندازی و شنا به فرزندان (أَوْلَادَكُمُ) که از مصادیق اقدامات تمهیدی برای ورزش کودکان، به ‌شمار می‌آیند، از وظایف رجحانی استحبابی، پدر و مادر است.

2. روایت نهج الفصاحه

**[عن رسول الله (ص)]: علّموا أبناءكم السباحة و الرمي و المرأة المغزل**؛[[29]](#footnote-29) به پسران خود شنا و تیراندازی و به زن، نخ‏‏ریسی بیاموزید.

این روایت به لحاظ سندی، فاقد سند و به لحاظ دلالی، از تعلیم شنا و تیراندازی سخن به میان آورده است. تفاوت این روایت با روایت پیشین در آن است که:

الف) به جای «اولادکم»، تعبیر «أبناءكم» دارد؛ بنابراین حکم تعلیم شنا و تیراندازی (حکم رجحانی استحبابی) که مستفاد از ساختار امری «علّموا»، است مختص فرزندان پسر است، نه مطلق فرزندان؛

ب) اشاره به تعلیم نخ‏ریسی (نخ‏ریسی) برای زنان (المرأة) که به قرینه «أبناءكم» احتمال دارد منظور از آن، فرزندان دختر باشد.

بنابراین، طبق مفاد این روایت همان‌گونه که تعلیم شنا و تیراندازی به فرزندان پسر، از وظایف رجحانی استحبابی پدر و مادر به شمار می‌آید، آموزش نخ‌ریسی به فرزندان دختر نیز در زمره مسؤولیت‌های رجحانی آن‌ها قرار می‌گیرد.

3. روایت نبوی

**قال النبی (ص): حقّ الولد على والده أن يعلّمه الكتابة، و السباحة، و الرماية**؛[[30]](#footnote-30) پیامبر خدا (ص) فرمود: حق فرزند بر پدر، آن است که به او نوشتن، شناکردن و تیراندازی یاد دهد.

بررسی سندی و دلالی

این روایت را متقی هندی، در کتاب *کنزالعمّال*، از رسول الله (ص) بدون سند نقل کرده است؛ بنابراین، روایت به لحاظ سند، ضعیف تلقی شده وبا نگاه رجالی، فاقد اعتبار لازم به شمار می‌آید.

به لحاظ دلالت، در این روایت از حقوق فرزند بر پدر سخن به میان آمده است (حقّ الولد على والده)؛ هرچند روایت از ساختار إخبار در مقام إنشاء، برخوردار است (**أن يعلّمه الكتابة، و السباحة، و الرماية**) و بر رجحان تعلیم کتابت، شنا و تیزاندازی دلالت دارد؛ اما به این دلیل که حقوق فرزند بر پدر، اعم از حقوق الزامی و غیرالزامی است، حق آموزش تیراندازی و شنا که در این روایت مطرح شده است، از جمله حقوق استحبابی به شمار می‏آید که بر رجحان استحبابی این نوع آموزش‏ها دلالت دارد. تعلیم کتابت که در این روایت در ردیف تعلیم شنا و تیراندازی قرار گرفته نیز همواره یک حق الزامی به ‌شمار نمی‏آید؛ بلکه اغلب، یک حق رجحانی است. به هر صورت، این روایت، آموزش تیراندازی و شنا را از وظایف پدر در حد یک عمل راجح استحبابی، معرفی می‌کند.

4. روایت سکونی

**وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمْهُورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي‏عَبْدِاللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَراً أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمَّهُ وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ وَ يُعَلِّمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَ يُطَهِّرَهُ وَ يُعَلِّمَهُ السِّبَاحَةَ وَ إِذَا كَانَتْ أُنْثَى أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمَّهَا وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا وَ يُعَلِّمَهَا سُورَةَ النُّورِ وَ لَا يُعَلِّمَهَا سُورَةَ يُوسُفَ وَ لَا يُنْزِلَهَا الْغُرَفَ وَ يُعَجِّلَ سَرَاحَهَا إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا**؛[[31]](#footnote-31) سکونی در حدیثی از امام صادق (ع) این‌گونه روایت می‏کند که رسول خدا (ص) فرمود: حق فرزند پسر بر پدر، آن است که به مادرش احترام بگذارد (او را خوشحال کند)، نام نیکو برای فرزند انتخاب کند، به وی قرآن بیاموزد، او را پاک کند و به او شنا بیاموزد و اگر فرزند دختر باشد به مادرش احترام بگذارد، برایش نام نیکو برگزیند، به او سوره نور را یاددهد، سوره یوسف را به وی یاد ندهد، او را به اتاق‌های مشرف، سکنی ندهد و برای به شوهردادن به موقع او، شتاب به خرج دهد.

بررسی سندی

سکونی راوی اصلی این روایت، عامی است؛ اما چنانکه پیش از این گفته شد، وثاقت دارد؛ چنان‏که دیگر راوی‌های موجود در سلسله سند این روایت، غیر از پدر ابن‏جمهور، همگی ثقه‌اند. پدر ابن‏جمهور (محمد بن جمهور العمی) را ارباب رجال، تضعیف کرده‌اند.[[32]](#footnote-32) پس این روایت به لحاظ سندی، به دلیل ضعف راوی یاد شده، اعتبار لازم را ندارد.

بررسی دلالی

در میان روایات ناظر به شنا و تیراندازی، مفاد این روایت اندکی متفاوت از دیگر روایت‌ها است. به همین دلیل مناسب به نظر می‌رسد به نکات ذیل درباره مفاد این روایت، توجه شود:

1. تفاوت این روایت با روایت پیشین به لحاظ دلالت در این است که در این روایت تعبیر «وَ يُعَلِّمَهُ السِّبَاحَةَ» دارد که فقط از تعلیم شنا سخن به میان آمده است؛ بنابراین گستره دلالت روایت، تنها آموزش شنا را در برمی‏گیرد.

2. از طرفی دیگر، تعلیم شنا در این روایت به فرزند پسر، اختصاص یافته و در مقابل، گفته شده به فرزندان دختر، سوره مبارکه نور تعلیم داده شود. این امر، قرینه مقابله است که شارع با نظرداشت ویژگی‏های شخصیتی و روانی فرزندان، به والدین توصیه می‏کند، ارجح این است که به فرزند پسر، شنا و به فرزند دختر، سوره نور یاد داده شود که عفاف و سبک زندگی زن مسلمان را برای وی بازگو می‏کند.

3. حکم مستفاد از این روایت، یک حکم رجحانی است؛ یعنی جمله خبریه در مقام انشاء (وَ يُعَلِّمَهُ السِّبَاحَةَ) رجحان و مطلوبیت این عمل را نزد شارع می‏رساند؛ اما بر مبنای ارتکازات عرفی، رجحان مستفاد از این روایت، از نوع رجحان الزامی نیست؛ بلکه در حد یک حکم رجحانی استحبابی است. البته چنان‏که یادآوری شد، هرچند رجحان و استحباب تعلیم آموزش، به دلیل ویژگی‏های شخصیتی و روانی و قرینه مقابله، به فرزندان پسر، اختصاص دارد؛ اما روایت، درصدد نفی جواز تعلیم از فرزندان دختر نیست. در نتیجه طبق مفاد این روایت، آموزش شنا به فرزند پسر از وظایف رجحانی (استحبابی) پدر به شمار می‌آید.

فرع فقهی

پس از بررسی احکام ورزش این پرسش قابل طرح است که حکم ورزش و فعالیت‌های بدنی که امروزه رایج است؛ اما در لسان ادله، دست‌کم، به عنوان مصادیقی از ورزش خاص به آن‌ها اشاره نشده، چیست؟ به بیان دیگر، ورزش‌های غیرمنصوص، دارای چه نوع حکم فقهی است؟ در میان ادله‌ای که برای استنباط حکم ورزش به منزله حق کودک، به آن‌ها تمسک شد، در قاعده اعانه بر برّ، ظرفیت پوشش‌دهی ورزش‌های غیرمنصوص، وجود دارد. توضیح آنکه: قاعده یادشده، بر رجحان و مطلوبیت یاری‌رسانی مکلف به دیگری، برای تحقق افعال و صفات شایسته، دلالت می‏کند، این قاعده می‏تواند اقدامات تمهیدی مربیان و متولیان کودک را به عنوان مصداق این قاعده و به ‏منزله یک عمل رجحانی، پوشش دهد؛ یعنی اقدامات تمهیدی که امروزه برای انجام فعالیت‏های مختلف بدنی در قالب انواع ورزش‌ها، در راستای رشد و سلامت جسمی کودکان، انجام می‏شود، می‌تواند از مصادیق قاعده اعانه بر برّ، باشد؛ برای مثال، این‌که کودک یاد بگیرد از سلامتش محافظت کند یا آن را ارتقا دهد، به عنوان یک عمل راجح استحبابی، می‏تواند در زیرمجموعه قاعده اعانه بر برّ قرار گیرد.

البته به این نکته باید توجه کرد که حکم یادشده نسبت به اقدامات تمهیدی زمانی تسری داده می‏شود که این اقدامات به ‌صورت متعارف و عمومی در راستای حفظ و ارتقای سلامت انجام ‌شود؛ ازاین‏رو حکم مزبور، اقداماتی را که برای کسب مقام قهرمانی یا حرفه‌ای شدن انجام می‌شود، در برنمی‌گیرد.

در یک جمع‏بندی می‏توان گفت: فعالیت‌های ورزشی‌ای که در راستای نگهداری و ارتقای سلامت، انجام می‌شود دارای احکام خمسه فقهی خواهد بود؛ یعنی در مواردی که حیات فرد، منوط به انجام این نوع ورزش‌ها و فعالیت‏های جسمی باشد، ورزش، دارای حکم رجحانی ایجابی خواهد بود. در مواردی که موجب رشد و ارتقای سلامت شود، دارای حکم رجحانی استحبابی است. اگر این نوع فعالیت‏ها موجب القا در تهلکه شود و اضرار جسمی قابل توجهی را به دنبال داشته باشد، مورد نهی شارع است و حکم الزامی تحریمی دارد و اگر موجب کاهش سلامت شود، موجب کراهت این نوع فعالیت‏ها خواهد شد. همان‏گونه که اگر این نوع عمل، مصلحت و مفسده را به دنبال نداشته باشد و عاری از لهویات و باطل باشد، جایز به شمار می‏آید.

## مسائل

بحث تربیت جسمانی و ورزش برغم اهمیت و ظرفیت‌هایی که در حوزه تربیت و رشد انسان دارد، با برخی کاستی‌ها و چالش‌ها روبرو است که در سطح جامعه به صورت مسأله خود را نشان می‌دهند که باید در صدد حل اینگونه مسائل بود. در این بخش به نمونه‌هایی از مهمترین مسائل تربیت جسمانی و ورزش اشاره می‌شود:

**1. دیدگاه‌های جسم‌ستیز: مهمترین مسأله در بحث ورزش و تربیت جسم،** مسأله تئوریک و نظری است. ممکن است گفته شود **(مانند برخی از نحله‌های متصوفه و طرفداران ریاضت‌های جسمی)** که دین برای پرورش روح آمده نه پرورش تن؛ بنابراین **آنچه در آموزه‌های دینی، حائز اهمیت تلقی می‌شود، تربیت و استکمال روح است، نه پروردن جسم. با این نگاه، تربیت جسم در فضای ادبیات دینی به منزله «تن‌پروری» و نادیده‌انگاری بُعد اصیل انسانی (روح)، نه تنها کمال که نوعی منقصت و امر مذموم و مرجوح به شمار می‌آید.**

**2. ورزش بانوان:** ورزش، امروزه تبدیل به یک صنعت بزرگ شده و ابعاد اقتصادی و سیاسی و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی وسیعی پیدا کرده است که ورزش بانوان یکی از ابعاد فرهنگی و اجتماعی، این مبحث است که باید احکام فقهی آن روشن شود. مباحثی مانند:

- اصل ورزش زنان؛

- حجاب و پوشش بانوان در صحنه‌ها و میدان‌های ورزشی؛

- حضور بانوان در ورزشگاهها در کنار مردان، به منزله تماشاچی؛

- مربی جنس مخالف؛

- حضور زنان ورزشکار در مسابقات بین المللی؛

3. برد و باخت و شرطبندی‌ها در ورزش و مسابقات و رزشی:

4. مسؤولیت فقهی حقوقی آسیب زدن به حریف ورزشی:

آسیب‌هایی که ورزشکاران در حین ورزش در باشگاه‌ها و اماکن ورزشی و به‌ویژه در مسابقات ورزشی بر یکدیگر وارد می‌کنند، چه نوع مسؤولیت فقهی و حقوقی متوجه آنان می‌کند؟

5. ورزش‌های خطرآفرین:

امروز تنها بالغ بر ۱۰۰ نوع ورزش رزمی داریم که در گذشته وجود نداشته است. ورزش‌‌‌ها از حیث آسیب زایی و غیر آن، به چندین قسم تقسیم می‌شود که گاهی آسیبها و خطرات برخی از آنها تا سرحد حد مرگ است. حکم فقهی این نوع ورزشها چیست؟

6. افراط در ورزش: گاهی در امر ورزش افراط می‌شود، برای مثال گاهی اوقات فرد با ورود به یک ورزش از بسیاری از امور در زندگی و خانواده بازمی‌ماند یا اسراف در مال دارد چراکه باید به شدت خرج کند. مثل پرورش اندام که تغذیه‌‌‌های گرانی دارند، به عبارت دیگر شاید خود ورزش مشکل نداشته باشد ولی از حیث موضوعاتی که بر آن بار می‌شود می‌تواند مباحث فقهی متعددی داشته باشد.

7. آمیختگی ورزش و سیاست: امروزه ورزش با سیاست نیز آمیخته شده است. برای مثال، فیفا که یک نهاد بین المللی ورزشی است و علی القاعده باید در منازعات سیاسی دولتها بیطرف باشد؛ اما می‌بینیم که در جریان جنک اوکراین، به تبعیت از سیاست غربی‌ها، روسها را از بازیها محروم میکند. مثال دیگر، مسابقه ندادن ورزشکاران ایرانی با ورزشکاران صهیونیستی و... .

8. تقلب در ورزش و استفاده از داروهای نیروزا و... .

## راه‌حل‌ها

برای حل این دسته مسائل، در ادامه به چند راه‌حل کلی اشاره می‌شود که جزئیات آن نیازمند مطالعات و سیع و همه‌جانبه در بحث تربیت جسمانی و ورزش است:

1. تقویت پایه‌های نظری و تئوریک: یکی از دلایل مخالفت و موضعگیری‌ها علیه ورزش، ورزش و تربیت جسمانی، تبیین نشدن درست پایه‌های نظری این بحث است. اینکه هنوز رسوبات فکری **دیدگاه جسم‌ستیزانه در برخی نحله‌های فکری اسلامی، دیده می‌شود به این دلیل است که آموزه‌های دینی در این عرصه، به خوبی تنقیح و تبیین نشده است؛ بنابراین تعالیم دینی باید با روش فقهی و استنباطی واکاوی و بررسی شود تا نگاه مثبت فقه و آموزه‌های دینی، در باره تربیت جسم مشخص شود و به گفته استاد شهید مطهری، مرز میان تن‌پروری (که مساوی با نفس‌پروری و شهوت‌پروری است و در واقع تنقیص جسم به شمار می‌آید) و تربیت جسم ( که به معنای به کمال رساندن جسم و رشددادن آن در راستای تعالی روح است) از همدیگر تفکیک شود.**[[33]](#footnote-33) **چنانکه مدیر حوزه‌های علمیه، حضرت آیت الله اعرافی نیز در** **ششمین جشنواره فرهنگی ورزشی طلاب حوزه علمیه قم، تأکید کردند**[[34]](#footnote-34) **باید در حوزه،** فلسفه ورزش و سلامت را پایه‌ریزی و ترسیم کنیم و در این میان رویکرد کلامی و فلسفی در منطق علوم اسلامی باید پایه‌ریزی شود.

2. مطالعات وسیع و چندجانبه: مطالعات وسیع، عمیق، کارشناسانه و علمی برای بررسی ابعاد بحث تربیت جسمانی و ورزش نیاز است؛ مطالعه چند ضلعی که فقیه متصدی بیان فقه باشد و در موضوعات اجتماعی از کارشناس امر برای تبیین موضوع استفاده کند. درنهایت فقیه باید بتواند موضع دین درباره آن مساله را بیان کند.

3. تفکیک احکام اولی از احکام ثانوی و حکومتی: در اظهار نظرهای فقهی باید بین احکام اولی و احکام ثانوی تفکیک شود. ممکن موضوعی با حکم اولی جایز یا راجح باشد؛ اما به دلیل اقتضائات زمانی و جغرافیایی، حکم آن تغییر کند. مانند بحث ورزش و حضور زنان در ورزشگاه‌ها که حکم اولی آن جواز است؛ اما به دلیل این که زیرساخت‌های عملیاتی شدن آن فعلا فراهم نیست، برای پیشگیری از گناه و اختلاط با نامحرم، با آن مخالفت می‌شود.

4. ایجاد زیرساخت‌های ورزشی: ایجاد و گسترش فضاهای سالم و عاری از معصیت، هم برای گسترش فرهنگ سالم ورزشی و هم برای رفع محدودیت‌هایی که زمینه سوء برداشت‌ها را در مخالفت با برخی از مسائل ورزشی (مانند حضور زنان در ورزشگاه‌ها)، فراهم می‌کند. هرجایی که مدرسه و مؤسسه‌ای وجود دارد باید از زیرساخت‌های ورزش‌های همگانی برخوردار باشد.

## منابع برای مطالعه بیشتر

**- امین انورالخولی، *ورزش و جامعه*، ترجمه: حمید رضا شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش­های اسلامی آستان قدس رضوی، تهران، سمت، چاپ اول، بهار 1381، ص32.**

- جان الیاس، ***فلسفه تعلیم و تربیت (قدیم و معاصر****)*، ترجمه: عبدالرضا ضرابی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، 1385.(فصل هشتم تربیت بدنی)

**- سیامک رضا مهجور، *روان­شناسی بازی*، شیراز، راه­گشاه، 1376، چاپ پنجم.**

- **مرتضی مطهری،** *مجموعه آثار (تعلیم و تربیت در اسلام*)، **ج22، ص691.**

- محمدقاسم رجایی، رساله دکتری با عنوان: بررسی فقهی حقوق کودکان در تربیت جسمانی، با تأکید بر وظایف والدین، جامعه المصطفی العالمیه.

**-** محمدرضا وحیدی صدر، ***مسؤولیت فقهی حقوقی آسیب زدن به حریف ورزشی***، قم، انتشارات واژه‌پرداز اندیشه.

- علیرضا اعرافی، ***تربیت جسمانی***، تحقیق و نگارش: محمدقاسم رجایی، قم، موسسه اشراق و عرفان

- علی اصغر حکمت، «تربیت جسمانی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره اول، شهریور1304، شماره6، ص25 – 26 و 27.

**-  مهدی صباغ لنگرودی و احمد درودیان، *جامعه شناسی ورزش*، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، 1389.**

- مرتضی نجفی و قربان آهنگری، ***فقه ورزش***، مؤسسه انتشارات زمزم هدایت وابسته به پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، 1399.

- Merriam- Webster's 11th Collegiate Dictionary.

- Encyclopaedia Britannica Ultimate Reference Suite.  Chicago: Encyclopædia Britannica, 2010.

1. . وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ؛ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ؛ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (مؤمنون، آیه: 12-14). [↑](#footnote-ref-1)
2. . همان‌گونه که وضعیت نامطلوب روانی مانند عصبانیت و افسردگی بر سلامت جسم تأثیرگذار است، بیمارهای بدن بر نشاط روانی و روحیه انسان پیامد نامطلوب دارد. چنانکه پیامدهای زیانبار روابط اجتماعی نامطلوب بر سلامت جسمی و روانی فرد نیز قابل انکار نیست (محمد مهدی اصفهانی، *آئین تندرستی*، ص13). [↑](#footnote-ref-2)
3. 1. Mens sana in corpore sons. [↑](#footnote-ref-3)
4. . علی اصغر حکمت، «تربیت جسمانی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره اول، شهریور1304، شماره6، ص25 - 26. [↑](#footnote-ref-4)
5. . ر. ک: همان، ص26 - 27. [↑](#footnote-ref-5)
6. . Merriam- Webster's 11th Collegiate Dictionary. [↑](#footnote-ref-6)
7. 13 . Encyclopaedia Britannica Ultimate Reference Suite.  Chicago: Encyclopædia Britannica, 2010. [↑](#footnote-ref-7)
8. . فرهنگ سخن، ج8، ص 8205. [↑](#footnote-ref-8)
9. . امین انورالخولی، ورزش و جامعه، ترجمه: حمید رضا شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش­های اسلامی آستان قدس رضوی، تهران، سمت، چاپ اول، بهار 1381، ص32. [↑](#footnote-ref-9)
10. . همان. [↑](#footnote-ref-10)
11. . مهدی صباغ لنگرودی و احمد درودیان، جامعه شناسی ورزش، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، 1389. [↑](#footnote-ref-11)
12. . همان. [↑](#footnote-ref-12)
13. . فرهنگ سخن، ج2، ص 771. [↑](#footnote-ref-13)
14. . همان، واژه لعب. [↑](#footnote-ref-14)
15. . مرتضی انصاری، كتاب المكاسب، ج‏2 ص 47. [↑](#footnote-ref-15)
16. . راغب اصفهانی، همان، واژه لغو. [↑](#footnote-ref-16)
17. . حسین راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ، واژه لهو. [↑](#footnote-ref-17)
18. . همان، واژه باطل. [↑](#footnote-ref-18)
19. . علی مشکینی، مصطلحات الفقه،صص- 456-457. [↑](#footnote-ref-19)
20. . Longman Dictionary of Contemporary English 5th Edition. [↑](#footnote-ref-20)
21. . John,Piaget. [↑](#footnote-ref-21)
22. . Parten, M. B. Play, Dreams and Imitation in childhood, London, p.p.146-150. [↑](#footnote-ref-22)
23. . سیامک رضا مهجور، روان­شناسی بازی، شیراز، راه­گشاه، 1376، چاپ پنجم، ص30. [↑](#footnote-ref-23)
24. . مستند قرآنی این قاعده، آیة دوم شریفة مائده است: ((تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى‏ وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ.)) در روایات نیز یک سلسله روایات در این زمینه وارد شده است که مرحوم حر عاملی در *وسائل الشيعة*، ج 16، ص371، كتاب الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر و ما يلق به، أبواب الأمر و النهي و ما يناسبهما، أبواب فعل المعروف، باب 29، استحباب تفريج كرب المؤمن، آورده است. [↑](#footnote-ref-24)
25. . برای اطلاع بیشتر از مفاد و مستندات این قاعده، ر. ک: علیرضا اعرافی، *قواعد فقهی*، ج1، ص271-288. [↑](#footnote-ref-25)
26. . محمد بن یعقوب کلینی، *الكافي،* ج‌6، ص47. در *نهج الفصاحه* نیز روایتی شبیه این روایت آمده است: «علّموا أبناءكم السباحة و الرمي، و المرأة المغزل.» (*نهج الفصاحة*، ص413، ح 1954) [↑](#footnote-ref-26)
27. . احمد بن علی نجاشی، *رجال*، ص‏253 [↑](#footnote-ref-27)
28. . ابوعمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی، *رجال*، ص‏562. [↑](#footnote-ref-28)
29. . پاینده، *نهج الفصاحه،* ص 413، ح 1954. روایت دیگری نیز در همین منبع (ح1955) آمده که به لحاظ مضمون و دلالت، شبیه این روایت است: «علّموا أبناءكم السّباحة و الرّماية و نعم لهو المؤمنة في بيتها المغزل و إذا دعاك أبواك فأجب أمّك»؛ به فرزندان خود، شنا و تيراندازى بیاموزيد و نخ‏ريسى در خانه براى زن مؤمن، سرگرمى خوبي است، وقتى پدر و مادرت تو را فراخواندند، دعوت مادر را اجابت كن. [↑](#footnote-ref-29)
30. . متقی هندی علی بن حسام الدین، *كنز العمّال*، ج 16، ص443، ح 45340. در همان کتاب (ص444) روایت دیگری قریب به همین مضمون از پیامبر (ص) نقل شده است که به لحاظ سند و دلالت، در حکم روایتی است که در متن آورده شده است: «حقّ الولد على الوالد أن يعلّمه كتاب اللّه و الرمي و السباحة، و أن يورّثه طيباً.» [↑](#footnote-ref-30)
31. . محمد بن یعقوب کلینی، *الكافي،* ج‌6، ص48. [↑](#footnote-ref-31)
32. . احمد بن علی نجاشی، *رجال*، ص‏337؛ احمد بن حسین ابن غضائری، *رجال*، ج 1، ص‏92؛ محمد بن حسن طوسی، *الفهرست*، ص‏413. [↑](#footnote-ref-32)
33. . ر. ک: مرتضی مطهری، *مجموعه آثار (تعلیم و تربیت در اسلام*)، ج22، ص691. [↑](#footnote-ref-33)
34. . سخنرانی در ششمین جشنواره فرهنگی ورزشی طلاب حوزه علمیه قم، تاریخ: اسفند 1400. [↑](#footnote-ref-34)